

هادی محیط

باران به طریق اولی
پاییز را به زمین می ریزد
چهار کلمه، چهار کلمه حرف بزن با وقایع تحریف شده درون غار
چندم آبان روی چهچهه میان میدان لیز می خورم
آب و سیمان و آخرین صلوات پدر
جاده گیر شده ای ای پسر

من عکاسم
اوکین ستون روزنامه اوکین پنجره ی بسته است

خلیج فارس، نقشه ی جنگی منسوخ شده ای نبود که من در آن گنج می جستم
در پای صبح، شب را بلند کرده باشند
میان آن همه آدم
میل من قاتلی نداشت شاید.

این جا در حال خار و خاشاک هستم
چون آن الا ای آهوی وحشی را کشیدم
این جا این ته
تنها من عکاس هستم